ادامه از صفحه ۳

نمی‌شود به بهانه تعارض منافع یقه همه را گرفت

نهایتش هم این است که اگر قرار است حکم برکناری صادر شود، رئیس‌جمهور باید آن را صادر کند، وزیر چنین حقی ندارد. اما الان وزیر حکم داده، اما حکم را هم ابلاغ نکرده است. به شخص دیگری هم ابلاغ نکرده‌اند. بعید می‌دانم به خود فردی که سرپرست شده است هم ابلاغ کرده باشند. موضوع همین است، اینجا خلاف قانون انجام شده است و پیگیری قانونی هم باید بشود و پیگیری جدی قانونی هم حتما خواهیم کرد. موضوع دیگر درخصوص این حکم این است که آنهایی که ادعای قانون‌گرایی دارند، چرا زیر بار چنین حکم خلاف قانون رفتند؟ اصلا پیگیری کردند که حکم برایشان بخورد؟ اگر خلاف قانون بد است، برای همه بد است. چطور شده است که منافع خودمان بر خلاف قانون مباح می‌شود؟

چرا شورای مرکزی در این خصوص اقدامی نکرده است؟ تعجب بسیار زیاد من هم همین است. شورای مرکزی در مقابل این‌همه هجمه و تعدی سکوت کرده است. چرا صدایی از کسی درنمی‌آید؟ آیا قبول دارند؟

من فکر می‌کنم تعدادی از آنها قبول دارند. آنها تبریک گفتند، در جلسه غیرقانونی شرکت کردند. برای من این مسئولیت یک وظیفه صنفی و حرفه‌ای بود و برای خودمان هم تکلیفی بود که هرجا بتوانیم برویم و کمک کنیم. زمانی که شنیدم برای دیگری حکم سرپرستی زده‌اند، باوجود اعتراضم به غیرقانونی‌بودن آن، شخصا من و خانواده‌ام خوشحال شدیم که این مسئولیت سنگین از دوش من برداشته شد. اما من بسیار متعجبم از تشکیل این جلسه، جلسه‌ای که بدون اطلاع و ابلاغ سازمان، بدون هماهنگی برای تعیین وقت و مکان جلسه، بدون حتی یک تلفن به رئیس سازمان، انجام شد. سازمان هنوز رئیس داشت، خودشان جلسه می‌گذارند و در جلسه شرکت می‌کنند و کارمندانی را که به این جلسه اعتراض می‌کنند که این جلسه قانونی نیست و باید حتما ابلاغ بشود، تهدید می‌کنند و به آنها می‌گویند که اگر پیگیری کنید، اولین کسانی که کله‌پا می‌کنیم شما هستید. این فضای رُعب و وحشت و حذف که مطرح کردند، زیبنده جامعه مهندسی نیست.

یکی از کارهایی که ما انجام دادیم و در روحیه پرسنل در سازمان‌های نظام کشور و استان‌ها مؤثر بود و وزارتخانه و اعضای مدعی شورا در مقابل آن موضع گرفتند، تعیین تکلیف حقوق پرسنل و همچنین شورا و شورای انتظامی و بازرسی و تعیین تکلیف قرارداد آنها و احکامشان بود؛ مانند حکم استخدامی، حکم حقوقی، حکم... و حکم‌هایی که باید صادر می‌شد. اینها را هم وزارتخانه به شورا ارسال کرد، آن عناصری از شورا که معتقدند شورا، هم باید کار تصمیم‌گیری و هم کار سیاست‌گذاری و هم کار اجرائی کند، که این البته فاجعه است. من نمی‌دانم با چه عقلی به این مسئله رسیده‌اند که تفکیک قوا نباشد. اگر در هر تشکیلاتی تفکیک قوا نباشد، شیرازه کار از هم می‌پاشد. مگر می‌شود کار اجرائی یا فنی یا اداری را شورایی کرد؟ کدام عقلی به این تصمیم گواهی می‌کند، کدام کارشناس طراحی، ساختار سیستم و تشکیلات و کدام متخصص و مدیریت تا این زمان چنین حکمی را انجام داده یا انجام می‌دهد؟ چون بعضی‌ها به عقلشان یا به نظرات مشورتی متخصصان مراجعه نمی‌کنند. همین‌جوری یک حرفی را می‌زنند، بعد می‌پرسند چرا این حرف را می‌زنید؟ آخر استدلالتان چیست؟

می‌فهمیم که آن مسئله فقط به ذهن مبارک ایشان خطور کرده و هیچ منطقی هم پشت این مسئله نیست. من حدود دو سال روی تشکیلات سازمان نظام کشور و استان‌ها کار کردم، با سازمان مدیریت صنعتی که بهترین متخصصان این امور را دارد، قرارداد بستم و همه آنها را به شورا دعوت کردم و همگی تحسین کردند و گفتند که کار خیلی خوبی است. نخستین اقدام این بود که ۴۰ نفر از پرسنل را تعیین تکلیف کنند؛ کسانی که قراردادهای آنها شش‌ماهه و یک‌ساله بسته می‌شد. یک ناامنی شغلی سنگین به پرسنل تحمیل کرده بودند. من گفتم دستورالعمل و آیین‌نامه‌ای بنویسید و به مدرک، به سال‌های بیمه پرداخت‌شده، به رزومه شخص، به مصاحبه تخصصی، به رضایت مدیریت امتیاز و نمره بدهید. اگر جمع امتیازها و نمرات آنها از این سقف بالاتر بود، رسمی بشوند، اگر از این‌قدر به بالا بود، قراردادشان ۱۰ساله و اگر از این مقدار به بالا بود، پنج‌ساله یا سه‌ساله بشود. با بقیه هم قرارداد یک‌ساله ببندید. چارچوبی را تعیین کردیم و تطبیق دادیم. این دستورالعمل را با وزارت تعاون و کار و رفاه اجتماعی هماهنگ کردند و تأیید کردند، مرجع قانونی‌اش هم تأیید کرده بود، حالا که می‌خواهیم آن را اجرا کنیم، بعضی‌ها عَلَم و کُتل هوا کرده‌اند، چون احساس می‌کنند صدور حکم و روشن‌کردن وضعیت استخدامی از دستشان خارج شده است. من هم کار را متوقف کردم و از کارشناس و مشاور خودم خواستم تا وضعیت سه یا چهار نفر را که مسئله داشتند، بررسی کند که اگر ایراد کارشناسی دارند، اصلاح کنند و اگر ایراد کارشناسی ندارند، ابلاغ شود. بعد از آنکه پرس‌وجو کردم گفتند که حتی یک خط هم حرف کارشناسی نداشتند و از روی دلسوزی حرف‌هایی را می‌زدند. ما نگران آینده سازمان هستیم. رئیس بعدی سازمان، قدرت تغییر و تعویض اشخاص را نخواهد داشت. به آنها گفتم من صد پست برای سازمان تعریف کرده‌ام که چهل‌تای آن پُر است؛ اما شصت‌تای دیگر خالی است. به آنها گفتم بروید آدم پیدا کنید؛ اما آدم به دردبخور؛ اما از این هم دلخور بودند.

واکنش خانه «ای‌بی» به گزارش «شرق»

خانه «ای‌بی» یک سازمان مردم‌نهاد است

خانه ای‌بی به گزارش روزنامه «شرق» با تیتر واکنش بنیاد امور بیماری‌های خاص به ادعای مالی خانه ای‌بی، جوابیه‌ای را ارسال کرد.

در متن این جوابیه آمده است:

متأسفانه در فضایی که عده‌ای پس از سالیان سال هنوز دچار توهم قدرت هستند، تنها بیماران خاص قربانی می‌شوند. ادعای حمایت از بیماران خاص دارند در حالی که بیماران ای‌بی را از حق و حقوق طبیعی و قانونی خود محروم می‌کنند و بار مسئولیت را بر دوش مردم می‌گذارند و در عین حال دانسته یا نادانسته آب به آسیاب دشمنان کشور می‌ریزند.

لازم است مجددا بر این موضوع تأکید کنیم که «خانه ای‌بی» یک سازمان مردم‌نهاد است. بدین معنی که این مجموعه با حمایت مردم دلسوز کشورمان پابرجاست و همین نیکوکاران نیز همیشه از ما انتظار پاسخ‌گویی دارند. پاسخی که خانه ای‌بی به طور منظم با ارائه گزارشات مالی دقیق به ایشان ارائه می‌نماید. حال یکی از معاونین بنیاد امور بیماری‌های خاص، بنیادی که دارای بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان بودجه دولتی مصوب سالانه است و هیچ گزارشی در رابطه با نحوه هزینه‌کرد بودجه خود به مردم ارائه نمی‌دهد، امروز خانه ای‌بی را متهم به پنهان‌کاری می‌نماید. خانه ای‌بی در بدو امر با حمایت بنیاد مستضعفان و وزارت بهداشت وقت تأسیس گردید. در ابتدا نیز با توجه به اینکه این مؤسسه نیازمند جمع‌آوری کمک‌های مردمی بود، با همکاری بنیاد امور بیماری‌های خاص، نسبت به افتتاح حسابی مختص بیماران ای‌بی اقدام گردید. هدف از این امر تجمع کمک‌های مردمی مربوط به بیماران ای‌بی در یک حساب و عدم تجمیع این مبالغ با کمک‌های مردمی مربوط به بیماران خاص دیگر، در بنیاد امور بیماری‌های خاص بود. این امر بسیار بدیهی است و از نظر شرعی نیز آنچه به نام و با نیت کمک به بیماران ای‌بی، واریز شده است می‌بایست برای همین بیماران هزینه گردد که این امر تنها با افتتاح یک حساب اختصاصی برای این بیماران میسر می‌شد. در همین راستا نیز یک حساب نزد بانک سینا به نام بنیاد اموری بیماری‌های خاص - گروه حمایت از بیماران ای‌بی، افتتاح گردید که مدیرعامل خانه ای‌بی نیز به عنوان مشاور بنیاد امور بیماری‌های خاص در ارتباط با امور بیماران ای‌بی، دارای حق امضا در حساب مذکور بودند. اتهام اینکه خانه ای‌بی از مراجعه بیماران به بنیاد امور بیماری‌های خاص جلوگیری نموده است، با توجه به اینکه حساب بانکی خانه ای‌بی در ابتدا به نام آن بنیاد بوده است، بدون شک اتهام بی‌اساسی است در حالی که بنیاد امور بیماری‌های خاص با تفویض اختیار به خانه ای‌بی، وظیفه حمایت از بیماران ای‌بی را به این مؤسسه واگذار نموده بود. کلیه وجوهاتی نیز که برای بیماران ای‌بی هزینه می‌شد تماما از حساب مذکور و به واسطه تبلیغات خانه ای‌بی جهت واریز کمک‌های مردمی به آن حساب، انجام می‌پذیرفت و بنیاد امور بیماری‌های خاص هیچ‌گونه مبلغی خارج از موجودی این حساب و از محل بودجه دولتی خود و یا دیگر حساب‌های خود به خانه ای‌بی پرداخت ننموده است. این موضوع متناقض با ادعای آن بنیاد مبنی بر تأمین هزینه بیماران ای‌بی می‌باشد. با این حال هر زمانی که نیاز بود خانه ای‌بی نسبت به ارائه گزارش مفصل مربوط به نحوه هزینه‌کرد خود به بنیاد امور بیماری‌های خاص اقدام می‌نمود کمااینکه کلیه وجوه موجود در حساب بانک سینا تنها با تأیید واحد مالی بنیاد امور بیماری‌های خاص از این حساب خارج می‌شد و خانه ای‌بی به تنهایی به هیچ عنوان از نظر قانونی اجازه برداشت وجه از حساب نزد بانک سینا را نداشت و این ادعا که خانه ای‌بی، نسبت به ارائه گزارش نحوه هزینه‌کرد کمک‌ های مردمی به بنیاد امور بیماری های خاص، کوتاهی کرده است، اساسا کذب محض بوده و کلیه گزارشات مفصل مالی که خانه ای‌بی به بنیاد امور بیماری‌های خاص ارائه نموده است، در بایگانی خانه ای‌بی موجود و قابل ارائه به هر مقام قضائی می‌باشد.

در ادامه با پیشنهاد بنیاد مستضعفان و وزارت بهداشت، خانه ای‌بی نسبت به ثبت رسمی به عنوان یک مؤسسه خیریه مردم‌نهاد اقدام نمود که این امر در سال ۱۳۹۶ محقق گردید و این مؤسسه به نام: مؤسسه خیریه حمایت از بیماران پوستی خاص خانه ای‌بی، با شماره ۴۳۲۰۵ ثبت گردید. پس از این امر این مؤسسه تقاضای انتقال وجوهی که به نام بیماران ای‌بی و با تلاش‌های خانه ای‌بی به حساب بانک سینا واریز شده بود، به حساب جدید این مؤسسه نزد بانک ملت و بسته‌شدن حساب قبلی نزد بانک سینا را به بنیاد امور

بیماری‌های خاص ارائه نمود. لیکن این بنیاد همچنان از بازگرداندن وجوهات موجود در این حساب اجتناب نمودند لذا خانه ای‌بی نیز این شماره حساب را از تبلیغات عمومی خود حذف نمود تا بیش از این مبلغی به حساب مربوطه واریز نگردد لیکن از آنجایی که بسیاری از خیرین خانه ای‌بی از قبل به طور منظم به حساب بانک سینا مبالغی را واریز می‌نمودند، بی‌اطلاع از اقدام بنیاد امور بیماری‌های خاص، همچنان تا مدتی به حساب بانک سینا مبالغی را واریز نمودند و این ادعا که مبالغ فعلی موجود در این حساب از طرف خیرین بنیاد امور بیماری‌های خاص واریز شده است، کذب است. در همین راستا سؤالاتی در رابطه با موجودی این حساب مطرح می‌گردد:

سؤالاتی مانند اینکه چرا از سال ۱۳۹۷ موجودی حساب بانک سینا راکد مانده است؟ چرا با توجه به کاهش روزافزون ارزش پول ملی در سالیان گذشته، از این مبالغ استفاده نشده؟ حسابی که در سال ۱۳۹۷ حدود ۱.۵ میلیارد تومان موجودی داشته و تا شهریور ۱۴۰۰ این موجودی به بیش از ۵.۵ میلیارد تومان رسیده بود. اساسا بر چه اساسی در این چند سال این حساب راکد مانده بود و امروز بر چه اساسی و با چه هدفی موجودی این حساب تخلیه شده است؟ در چه زمینه‌ای هزینه خواهد گردید؟

در جایی دیگر معاون بنیاد امور بیماری‌های خاص ادعا نموده است که پس از استقلال خانه ای‌بی، دیگر مبلغی از حساب بانک سینا به خانه ای‌بی پرداخت نشده است لیکن ثبت رسمی و استقلال خانه ای‌بی مربوط به آبان ماه سال ۱۳۹۶ می‌باشد درصورتی که تا شهریور ماه ۱۳۹۷، خانه ای‌بی همچنان اجازه استفاده از مبالغ موجود در این حساب را داشته است و از شهریور ماه ۱۳۹۷ به بعد به دلایل نامعلومی این اجازه سلب شده است.

بیمارانی که خود، ناامید از حمایت نهادهایی چون بنیاد امور بیماری‌های خاص، به خانه ای‌بی مراجعه می‌نمایند و خود نیز به این موضوع اشراف دارند که هیچ‌گونه حمایتی از سوی آن بنیاد در طول سالیان گذشته دریافت ننموده‌اند. چنانچه بنیاد امور بیماری‌های خاص ادعایی مبنی بر حمایت مالی از بیماران ای‌بی، خارج از منابع مالی حساب بانک سینا، دارد، چه بهتر که اسناد این ادعا را منتشر نماید. دیگر ادعای معاون هماهنگی بنیاد امور بیماری‌های خاص، مربوط به انتشار فیلم و عکس بیماران ای‌بی در فضای مجازی و بردن آبروی این بیماران می‌باشد. در این مورد لازم به ذکر است خانه ای‌بی هیچ‌گاه بدون اجازه کتبی بیمار یا ولی قانونی وی، هیچ تصویری از بیماران را در فضای مجازی خود، منتشر ننموده است. کلیه افرادی که تصاویر آنها در وب‌سایت یا فضای مجازی خانه ای‌بی، منتشر شده است، کتبا در دفترخانه اسناد رسمی، اجازه استفاده از تصاویر خود را به خانه ای‌بی داده‌اند. ضمنا هیچ بیماری تاکنون به این موضوع معترض نبوده است چراکه این اقدامات خانه ای‌بی صرفا با هدف آشنایی سطح جامعه و خیرین، با بیماری ای‌بی بوده است و خانه ای‌بی به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد و بازوی دولت، خود را موظف به فرهنگ‌سازی در این زمینه می‌داند. یکی دیگر از ادعاهای بنیاد امور بیماری‌های خاص نسبت به خانه ای‌بی، موضوع اخذ وکالت از بیماران توسط خانه ای‌بی بوده است. اگرچه خانه ای‌بی به عنوان یک مؤسسه مردم‌نهاد هیچ نیازی به توضیح به یک بنیاد نیمه‌دولتی در زمینه چگونگی انجام امور خود، نمی‌بیند، لیکن به جهت روشن‌شدن افکار عمومی شایان ذکر است، خانه ای‌بی، اولین سازمان مردم‌نهادی است که پس از بازگشت تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده آمریکا، از بدو امر نسبت به این موضوع اعتراضات گسترده خود را مطرح نمود.

متأسفانه این تحریم‌ها باعث عدم ورود پانسمان‌های مخصوص بیماران ای‌بی شد که این امر موجب ایراد خسارات جانی و مالی بسیاری به بیماران ای‌بی و خانواده‌های ایشان گردید. لذا با توجه به وخامت موضوع و نیاز مبرم بیماران ای‌بی به این پانسمان‌های مخصوص، خانه ای‌بی، جهت همکاری با نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، با هدف رفع تحریم‌ها، فعالیت خود را آغاز نمود. در همین رابطه نهادهایی نظیر ستاد حقوق بشر معاونت امور بین‌الملل قوه قضائیه و وزارت امور خارجه نیز به عنوان مشاور، فعالیت‌های خانه ای‌بی را رصد نموده و راهنمایی‌های لازم را بذل می‌نمودند. در نهایت تصمیم بر آن شد که خانه ای‌بی به نمایندگی از بیماران ای‌بی کشور، نسبت به ثبت شکایت رسمی از مقصران اصلی تحریم، اقدام نماید. به همین جهت با توصیه مقامات قضائی متخصص در امور بین‌الملل، نسبت به اخذ وکالت‌نامه از بیماران ای‌بی اقدام گردید. لازم به ذکر است چنین شکایت و پرونده‌ای برای اولین بار در جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است و کلیه این امور با هدف حفظ منافع ملی کشور و بیماران دردمند ای‌بی، انجام شده است. در همین رابطه از ۳۰ نفر اشخاص حقیقی و حقوقی در آمریکا اعم از دولت وقت ایالات متحده، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده دونالد ترامپ، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده مایک پمپئو و... طرح دعوا صورت گرفت که این پرونده در شعبه ۵۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران (روابط بین‌الملل) رسیدگی و در جریان می‌باشد و ۲۹۵ شاکی خصوصی دارد. در حال حاضر نیز پرونده در حال بررسی است و به محض تکمیل تحقیقات، حکم آن صادر خواهد شد. با توجه به موارد مطروحه فوق، اعتراض خانم پژوهش‌فر عملا اعتراض به مبارزه با تحریم، توسط خانه ای‌بی، می‌باشد. همچنین یکی دیگر از ادعاهای کذب بنیاد امور بیماری‌های خاص، موضوع تهدید بیماران توسط خانه ای‌بی به قطع پانسمان آنها بوده است. در اینجا یک سؤال مطرح می‌شود، پانسمانی که توسط وزارت بهداشت در اختیار خانه ای‌بی قرار می‌گیرید و خانه ای‌بی موظف است به صورت ماهانه گزارش مفصل نحوه ارسال آنها را به مقام عالی وزارت ارائه نماید، اصلا چگونه امکان انجام چنین عمل قبیحی را برای خانه ای‌بی میسر می‌سازد؟ خانه ای‌بی صرفا به عنوان نماینده وزارت بهداشت مسئول توزیع این اقلام است که ماهانه با هزینه خانه ای‌بی، درب منزل بیماران از طریق پست تحویل ایشان می‌گردد. سؤال اساسی این است؛ افرادی که خود واقف به نحوه انجام چنین اموری هستند، چگونه می‌توانند دروغی به این بزرگی را در رسانه‌های جمعی منتشر نمایند؟ کلیه پانسمان‌ها در بسته‌بندی مخصوص، از طریق پست سفارشی با شماره مرسوله، به شکل دوره‌ای برای بیماران ارسال می‌گردد و کلیه گزارشات مربوط به این امر موجود و قابل ارائه به هر مقام قضائی می‌باشد لذا خانم پژوهش‌فر در ارتباط با این ادعای واهی، می‌بایست نسبت به ارائه اسناد و شواهد، اقدام نماید. در همین رابطه خانه ای‌بی به زودی اقدامات قضائی لازم را جهت رسیدگی به این دروغ‌گویی محض، انجام خواهد داد. در انتها شایان ذکر است خانه ای‌بی، به عنوان تنها نهاد رسمی ملی حمایت از بیماران ای‌بی در سطح کشور، بر خود لازم می‌داند فعالیت افرادی که مدعی به حمایت از بیماران ای‌بی هستند را رصد نماید تا مبادا این افراد و مؤسسات با سوءاستفاده از احساسات عمومی، مبالغی را به نام بیماران ای‌بی جمع‌آوری نمایند و در نهایت این مبالغ هزینه بیماران نگردد. لذا ادعای اینکه خانه ای‌بی جلوی فعالیت دیگر مؤسسات را گرفته است بی‌اساس است از آن جهت که اولا اساسا خانه ای‌بی از نظر قانونی چنین توانایی ندارد و ثانیا کلیه گزارشاتی که مبنی بر فعالیت کلاهبردارانه برخی مؤسسات از طرف خود بیماران به اطلاع خانه ای‌بی می‌رسد مستقیما به مقامات قانونی مربوطه ارائه می‌گردد. شایان ذکر است کلیه مؤسسات قانونی و دارای مجوز رسمی، چنانچه به شکل صحیح از بیماران ای‌بی حمایت نمایند، قطعا مورد استقبال خانه ای‌بی، قرار خواهند گرفت. مجددا خانم پژوهش‌فر موظف به ارائه اسناد و شواهد در ارتباط با این ادعای واهی می‌باشد. خانه ای‌بی نسبت به کلیه موارد فوق، که توسط معاون هماهنگی و امور استان‌های بنیاد امور بیماری‌های خاص، خانم پژوهش‌فر، در وبسایت خبری آن بنیاد، وبسایت جماران‌نیوز و روزنامه شرق، منتشر شده است، معترض است و حق هر گونه اقدام قضائی را نسبت به شخص نام‌برده و وب‌سایت بنیاد امور بیماری‌های خاص، برای خود محفوظ می‌داند.

یادداشت

تخریب حیاتی

سعید اعتمادی . کارشناس حقوق محیط زیست

قلع و قمع بناها و تأسیسات غیرقانونی در حریم سواحل دریا و رودخانه چالوس را می‌توان اقدامی شایسته در جهت صیانت از منابع طبیعی و آغازی بر پایان جنگ تمام‌عیار جاری در نابودی محیط زیست تلقی کرد. در حوزه حقوق محیط زیست مجموعه‌ای از قوانین و خط‌مشی‌ها و اصول کلی مصوب شده است که اکثر آنان مسکوت، معطل، معلق و تحت‌الشعاع ملاحظات روزمره و فقدان عزم و اراده و عدم تخصیص منابع لازم برای اجرای آنها مانده‌اند. به استناد ماده ۳۸ قانون برنامه ششم توسعه، دولت مکلف است ارزیابی اثرات زیست‌محیطی طرح‌های بزرگ همه دستگاه‌های اجرائی و بخش‌های خصوصی و تعاونی نهادهای عمومی غیردولتی در پهنه سرزمینی از جمله مناطق آزاد تجاری و صنعتی را مورد توجه قرار دهد. بسیاری از طرح‌های نیمه‌تمام که طی سالیان دراز معطل مانده‌اند، عمدتا فاقد ارزیابی اثرات زیست‌محیطی هستند. بنا به اعلام ریاست محترم سازمان برنامه و بودجه بالغ بر ۲۵۰۰ هزار میلیارد تومان پروژه‌های نیمه‌تمام در کشور معطل مانده است که نیازمند منابع مالی عظیم برای اجرای آنهاست. فعال‌کردن این پروژه‌های نیمه‌تمام با قیمت‌های جاری حدود ۱۰۰ میلیارد دلار منابع را طلب می‌کند که حتی با رفع تحریم‌ها تأمین چنین منبع چشمگیری میسر نیست، زیرا با انباشت مطالبات عظیم جاری، حقوق و مزایای کارکنان و بازنشستگان در بخش‌های مختلف قوای سه‌گانه و نیز تجهیز و نوسازی زیرساخت‌های کشور که از تحریم آسیب جدی دیده و فرسوده شده‌اند (مانند ناوگان جاده‌ای، هوایی و دریایی و جاده‌ها، تأسیسات تأمین برق و گاز و آب کشور) دیگر منبع چشمگیری برای راه‌اندازی فوری تمامی این پروژه‌های نیمه‌تمام باقی نمی‌ماند. دولت سیزدهم با شعار قانون‌گرایی و پیوندنزدن اقتصاد کشور بر رفع تحریم‌ها، در برابر آزمون بزرگی است که با رفع یا تداوم تحریم‌ها با این حجم عظیم پروژه‌های نیمه‌تمام چه خواهد کرد؟ این موقعیت به نوبه خود فرصت ارزشمندی است که این پروژه‌ها مجددا از حیث اثرات زیست‌محیطی مورد مطالعه دقیق‌تری قرار گیرند. تا وضعیت بن‌بست آبی در مناطق مختلف کشور به‌ویژه منطقه مرکزی کشور تشدید نشده است باید پروژه‌های آب این منطقه با قصد و هدف حیات‌بخشیدن به محیط زیست و گریز از بحران‌های گریزناپذیر ناشی از اجرای این پروژه‌ها از دستور کار حذف شوند. با تجدیدنظر در اجرای این پروژه‌ها با معیار محیط زیستی، چه در شرایط تحریم یا رفع آن، منابعی آزاد می‌شود که می‌تواند به اجرای مبرم‌ترین تکالیف قانونی معطل‌مانده در زمینه حفاظت از محیط زیست تخصیص یابد. در میان معضلات زیست‌محیطی عیان‌تر و چشمگیرتر از آلودگی هوا وجود ندارد که در اکثر ایام سال چشم و ریه ساکنان شهرهای بزرگ را می‌آزرد و جان‌های بسیاری را می‌ستاند. قوانین کارساز و جامعی در زمینه جلوگیری از آلودگی هوا به تصویب رسیده است که در عمل به دست فراموشی سپرده شده است. این قوانین به‌ویژه در زمینه جلوگیری از آلایندگی موتورسیکلت‌ها که متهم اصلی در آلایندگی هوای کلان‌شهرها هستند؛ اثرگذار خواهد بود. بنا به گزارش بانک جهانی خسارات زیست‌محیطی در تهران معادل ۲/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ برآورد شده است؛ روزانه هفت میلیون دلار. از سوی دیگر تعداد فوتی‌های منتسب به آلودگی هوا در ایران سالانه ۱۲ هزار نفر برآورد می‌شود که چهار هزار نفر از این تعداد مربوط به تهران است. در میان وسایل نقلیه موتوری همواره موتورسیکلت‌ها از نظارت و کنترل مصون بوده‌اند و نه‌تنها روند آلوده‌سازی آنها کاهش نیافته بلکه روزبه‌روز تشدید شده است که بی‌شک یکی از اصلی‌ترین دلایل افزایش روزهای در وضعیت ناسالم در تهران (از ۵۵ روز در سال ۹۸ به ۱۰۲ روز در سال ۹۹) آلودگی ناشی از تردد موتورسیکلت‌هاست. دلایلی که در بروز این پدیده‌ها تأثیر دارند عبارت‌اند از: فقدان هرگونه کنترل این وسیله نقلیه از نظر محدودیت تردد شهری، عدم کنترل و الزام به معاینه فنی با وجود گذشت چهار دهه از تصویب قانون لزوم اخذ معاینه فنی برای همه وسایل نقلیه، از جمله موتورسیکلت‌ها که نتیجه آن مراجعه تنها ۳۳ دستگاه موتورسیکلت، از سه میلیون موتورسیکلت در تهران برای معاینه فنی در سال ۱۳۹۹ بوده است. تردد بالغ بر هفت میلیون موتورسیکلت فرسوده در ایران (بالغ بر دو میلیون در تهران) که از نوع کاربراتوری هستند که میزان آلایندگی آنها نسبت به نوع پاششی (انژکتوری) هشت برابر در تولید مونوکسید و هیدروکربور نسوخته و دو برابر اکسیدهای نیتروژن است. با وجود ممنوعیت ورود و تولید موتورسیکلت کاربراتوری از سال ۹۶ و همچنین الزام به اسقاط‌کردن یک موتور فرسوده به‌عنوان شرط لازم برای شماره‌گذاری موتورسیکلت بنزینی، به استناد ماده ۱۱ آیین‌نامه قانون هوای پاک، هیچ‌گونه اقدامی در این زمینه انجام نشده و همچنان عمده موتورسیکلت‌های در حال تردد از نوع کاربراتوری هستند. خطرناک‌تر از این پدیده تبدیل موتورسیکلت‌های انژکتوری به کاربراتوری است زیرا به دلیل کیفیت پایین موتورسیکلت‌های انژکتوری وارداتی و فقدان تعمیرکاران ماهر و لوازم یدکی مناسب صاحبان موتورسیکلت‌ها اقدام به تغییر سیستم سوخت آنها به کاربراتوری می‌کنند. طی سالیان گذشته بالغ بر ۸۵۰ هزار موتورسیکلت توقیف و در پارکینگ‌های نیروی انتظامی نگهداری شدند. با افزایش بسیار چشمگیر قیمت این موتورسیکلت‌ها برخی از آنها توسط صاحبان آنها و بخشی قابل توجهی از آنان با حراج توسط مراجع متولی مجددا در چرخه تردد قرار گرفتند یا اوراق شدند و اجزای آنها به‌عنوان لوازم یدکی مورد استفاده قرار گرفتند که این جریان موجب افزایش موتورسیکلت‌های کاربراتوری و تعمیر موتورسیکلت‌های فرسوده و تداوم تردد آنها شده است. افزایش شدید قیمت اتومبیل، گرایش به استفاده از موتورسیکلت را تشدید کرده است، علاوه بر این فقدان پارکینگ مناسب و افزایش شدید تعداد خودرو در سطح شهر تهران هر روز استفاده از اتومبیل را برای ترددهای شهری دشوار و گرایش به استفاده از موتور را تشدید می‌کند. تأثیر مشخص آلایندگی موتورسیکلت‌ها در منطقه بازار تهران مشخص است، منطقه‌ای که دو لایه محدودیت ترافیکی برای تردد اتومبیل‌ها در آن اعمال می‌شود و دارای تراکم ساختمانی کمتر از سایر مناطق تهران بوده و در نتیجه آلودگی ناشی از وسایل حرارتی منازل کمتر است. اما در ایام روزهای ناسالم این منطقه همواره جزء مناطق قرمز قرار می‌گیرد زیرا حدود ۶۰۰ هزار موتورسیکلت در این منطقه تردد دارند که میزان پیمایش آنها بیشتر از همه وسایل نقلیه دیگر آلایندگی دارد. در بند ش تبصره ماده ۳۸ قانون برنامه ششم توسعه تصریح شده است: [اعطای تسهیلات و پیش‌بینی اعتبار لازم در بودجه سالانه جهت از رده خارج‌کردن سالانه ۱۰ درصد از موتورسیکلت‌های بنزینی و جایگزینی با موتورسیکلت‌های برقی]. عملا در ماده شش قانون هوای پاک (مصوب ۱۳۹۶) به الزام معاینه فنی و در ماده ۸ به از رده خارج‌کردن، وسایل نقلیه موتوری فرسوده اعم از سبک و نیمه‌سنگین، سنگین، موتورسیکلت، تصریح شده است. موتورسیکلت‌های کاربراتوری که ۱۰ برابر آلوده‌سازتر از موتورهای انژکتوری هستند عمدتا مشمول این فرسودگی‌اند. از آنجا که بیشتر تردد موتورسیکلت‌ها مربوط به پیک‌های موتوری است که خدمات کالارسانی در مقیاس خرد و انتقال مواد غذایی، فست‌فودها و نامه‌رسانی را در سطح شهر انجام می‌دهند و در قالب شرکت‌های ثبت‌شده به فعالیت مشغول‌اند، اعمال قوانین مصوب در مسئول‌کردن این شرکت‌ها می‌تواند به ساماندهی موتورسیکلت‌های آلوده‌ساز کمک کند.

ادامه در صفحه۱۱

حقوق حیوانات

حیواناتی که قربانی سنت‌ها می‌شوند

سپهر سلیمی

هر سال هم‌زمان با نوروز میلیون‌ها ماهی قرمز پیش یا پس از قرارگرفتن در سفره هفت‌سین کشته می‌شوند. فراهم‌نبودن شرایط و فضای لازم برای زیست در منازل در کنار مشکلات ناشی از تولید و حمل‌ونقل این حیوانات از مهم‌ترین دلایل مرگ این حیوانات است. تلاش حامیان محیط زیست و حیوانات در سال‌های گذشته موجب شده است بسیاری از خانواده‌های ایرانی، ماهی قرمز را از هفت‌سین خود حذف کنند؛ اما شوربختانه همچنان میلیون‌ها قطعه از این حیوان قربانی این سنت می‌شوند. در این یادداشت به برخی از مراسم‌های سنتی که در گوشه‌وکنار دنیا موجب مرگ ده‌ها میلیون حیوان می‌شود، پرداخته‌ام. با توجه به مشکلات فراوان محیط‌زیستی و مخاطرات ناشی از کشتار و خوردن گوشت حیوانات، زمان آن رسیده که درمورد سنت‌هایی که موجب آسیب به موجودات زنده می‌شوند، تجدیدنظر اساسی داشته باشیم. قطعا تعداد این مراسم‌ها بسیار بیشتر از آن چیزی است که در این یادداشت آمده؛ اما سعی کردم تنوع و پراکندگی جغرافیایی مورد توجه قرار گیرد.

جشن شکرگزاری (Thanksgiving) ازجمله مراسم‌هایی است که سالانه موجب مرگ میلیون‌ها حیوان در آمریکای شمالی می‌شود. به مناسبت روز شکرگزاری سالانه حدود ۴۵ میلیون بوقلمون در آمریکا قربانی می‌شوند. همچنین سالانه حدود ۲۰ میلیون بوقلمون برای مصرف غذایی انسان‌ها در کانادا کشته می‌شود که بخش اعظم آن برای جشن شکرگزاری است. هر سال حدود یک میلیون بوقلمون در کشتارگاه‌های صنعتی آمریکا که به‌درستی ذبح و کشته نشده‌اند، پس از ورود به مرحله پرکنی در دیگ‌های آب‌جوش به شکل دردناکی می‌میرند. حامیان حقوق حیوانات به مناسبت این روز مردم را به خوردن خوراکی‌های گیاهی و وگن دعوت می‌کنند؛ ولی تلاش آنها برای کاهش کشتار بوقلمون‌ها تاکنون اثرگذار نبوده است.

گادهیمای (Gadhimai) فستیوال دیگری با ریشه مذهبی در نپال است که در آن هندوها برای جلب توجه گادهیمای (الهه قدرت) انواع حیوانات از موش تا گوسفند، بز، خوک و گاومیش را قربانی می‌کنند. گفته می‌شود در سال ۲۰۰۹ بیش از ۲۵۰ هزار حیوان در این مراسم قربانی شدند. در سال ۲۰۱۴ دادگاه عالی هندوستان قاچاق حیوانات از مرز این کشور با نپال برای قربانی در گادهیمای را ممنوع کرد. حامیان حقوق حیوانات در سال ۲۰۱۵ اعلام کردند که با فشار نهادهای مدنی داخل نپال و هند و با کمک سازمان‌های جهانی حقوق حیوانات موفق شده‌اند جلوی برگزاری این مراسم را بگیرند؛ اما گزارش‌ها نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۹ این مراسم همچنان در برخی نقاط دورافتاده برگزار شده است.

مراسم کشتن نهنگ (grindadráp) در اسکاندیناوی که در آن هزاران دلفین پهلوسفید و نهنگ خلبان در جزایر فارو در کشور دانمارک کشته می‌شوند. قدمت این مراسم سنتی به قرن نهم میلادی برمی‌گردد و مردم این مناطق خوردن گوشت نهنگ را سنتی قدیمی می‌دانند. درحال‌حاضر این مراسم با همکاری و حمایت مقامات سیاسی و پلیس برگزار می‌شود. گفته می‌شود سالانه حدود ۷۰۰ نهنگ و چندصد دلفین در این مراسم کشته می‌شوند. اعتراضات گسترده حامیان حقوق حیوانات در سراسر جهان و تلاش‌ها برای ممنوع‌کردن این مراسم خشونت‌بار تاکنون نتیجه نداشته است.

در میان مراسم‌های حیوان‌ستیزانه، فستیوال گوشت سگ یولین (Yulin Dog Meat Festival) در جنوب چین از جدیدترین آنهاست که از سال ۲۰۰۹ به‌عنوان یک جشن تابستانه برگزار می‌شود. مردم چین خوردن گوشت سگ در تابستان را موجب خوش‌شانسی و سلامتی می‌دانند. گفته می‌شود در این فستیوال حدود ۱۰ هزار سگ و همچنین تعدادی گربه کشته می‌شوند. اعتراضات به برگزاری این فستیوال به‌ویژه پس از همه‌گیری کرونا در جهان گسترش داشته است. خوردن گوشت سگ در چین، سنتی قدیمی است و سالانه حدود ۱۰ تا ۲۰ میلیون سگ در این کشور خورده می‌شوند.

گاوبازی (Bullfighting) از دیگر سنت‌های حیوان‌ستیزانه پرطرفدار در جهان است. گفته می‌شود سالانه حدود ۲۵۰ هزار گاو برای اجرای این مراسم کشته می‌شوند. پیش از شروع مراسم، گاوها از نظر جسمی و روانی تضعیف می‌شوند. حامیان گاوبازی معتقدند اگر گاوباز بتواند نیزه را در نقطه خاصی بین دو کتف گاو وارد کند، حیوان مرگ سریع و آرامی خواهد داشت؛ اما عملا در اکثر موارد چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد و حیوان مرگی دردناک را تجربه می‌کند. این مراسم در کشورهایی مثل آرژانتین، کانادا، آمریکا، کوبا، دانمارک، ایتالیا و برخی از شهرهای اسپانیا ممنوع شده است؛ اما در اسپانیا، مکزیک، پرو، اکوادور و پرتغال همچنان انجام می‌شود.